



صندوق توسعه ملی در میانه بیم و امید

ویژه چهارمین همایش بین‌المللی صندوق توسعه ملی

گزارش عملکرد صندوق

دستاوردها و چالش‌ها

سرمایه‌گذاری؛ تنها گزینه روی میز

نقش آفرینی در کسوت صندوق بین‌نسلی



صندوق توسعه ملی

چهارمین همایش بین المللی صندوق توسعه ملی

۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ - تهران



نقش آفرینی صندوق توسعه ملی
در اجرای برنامه هفتم



www.ndf.ir
روابط عمومی صندوق توسعه ملی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

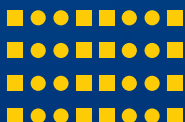
شناسنامه

مدیر مسئول:
مهدی غصنفری
سردبیر:
علیرضا کنگرلو
تولید و اجرا:
حوزه ریاست و روابط عمومی

نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان گاندی
نبش کوچه پالیزوانی (هفتم)، پلاک ۲۵
تلفن: ۰۲۱-۴۲۸۵۵۰۰۰
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۷۹۶۱۴
پست الکترونیک: pr@ndf.ir
www.ndf.ir

فهرست

۱. مقدمه
۲. ماموریت‌ها و اولویت‌ها
۳. منابع و مصارف صندوق توسعه ملی به تفکیک دولت‌ها ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۲
۴. فرصتی که به سرعت سوخت می‌شود
۵. غفلت خیره‌کننده از میادین مشترک
۶. زمان «انتخاب» گذشته گزینه‌ای جز سرمایه‌گذاری نیست
۷. منابع و مصارف
۸. نسخه کارآمدی: سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای
۹. I-HOPE
۱۰. ۱۴۰۲ به روایت آمارها
۱۱. عملکرد صندوق و بانک‌ها عاملیت پرداخت تسهیلات ارزی
۱۲. گذر از هفت چالش بنیادی
۱۳. وصول مطالبات تسهیلات غیردولتی
۱۴. صندوق توسعه ملی باید «صندوق ثروت ملی» باشد



مقدمه

سرمایه و منبع ارزشمند مالی دقیقا شبیه به آب است؛ همان قدر که مایه حیات است و لازمه وجود، اگر راکد شود، می‌گندد و از درجه حیات ساقط می‌شود؛ آبی که مایه حیات بود، می‌گندد و به هیچ نمی‌ارزد. آب باید جریان داشته باشد تا نماد حیات و زندگی شود و آب ساکن و راکد، به واقع گندآبی است که روز به روز بخار می‌شود تحلیل می‌رود؛ نه هیچ منفعتی به زیست بومش می‌رساند، نه چشمه‌امیدی می‌شود برای آیندگان.

به همین سیاق است که سرمایه‌گذاری، راهبردی‌ترین اولویت صندوق‌های ثروت جهان به شمار می‌رود؛ سرمایه‌های ملی به مثابه آب روان و جریان‌داری وارد این صندوق‌ها می‌شود و صندوق‌ها به منظور حفظ حیات و زندگی و کارآمدی سرمایه، آن را به جریان انداخته و در مسیری هدایت می‌کنند تا سرچشمه‌ای زلال و ماندگار شود و هم ساکنان امروز و هم و اهالی فردا را منتفع کند.

این همان مسیری که صندوق توسعه ملی ایران هم طی قریب سه سال گذشته در آن گام نهاده و می‌کوشد تا سرمایه‌های ملی را به سان مایه حیات به جریان انداخته و ثروت خلق کند تا ماموریت خود را در کسوت صندوقی بین‌نسلی برای مردم ایران به سرانجام برساند.

اما تحقق این مهم و هدایت منابع ملی به سوی سرمایه‌گذاری‌های ماندگار، نیازمند عزمی بوده و همراهی و همگامی همه ایران را طلب می‌کند؛ به واقع نخستین گام، خلق ثروت و ایجاد ارزش به پشتوانه منابع و سرمایه‌های ملی، تحقق این چشم‌انداز روشن است؛ و بدون تردید، این، مهمترین ماموریت صندوق توسعه ملی طی قریب سه سال گذشته بوده است.

اما اینکه صندوق توسعه تا چه اندازه در به ثمر نشستن این مهم موفق بوده، چه دستاوردهایی داشته و طی مسیر با چه چالش‌هایی مواجه شده، موضوع مجلد پیش‌روست که به مناسبت چهارمین همایش صندوق توسعه ملی گرد آمده و در اختیار شما فرهیخته ارجمند قرار گرفته است.

علیرضا کنگرلو

مدیر حوزه ریاست و روابط عمومی

ماموریت‌ها و اولویت‌ها

به روایت مهدی غضنفری، رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی

هدایت منابع ملی به طرح‌های ارزش‌آفرین و سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی ماندگار به منظور حفظ منابع برای نسل‌های آتی و خلق ثروت به منظور بهره‌مندی جامعه، ماموریتی ذاتی و هدفی راهبردی است که بر اساس آن صندوق توسعه ملی شکل گرفته است؛ اما مسیر تحقق این هدف کلان و راهبردی چیست؟ پاسخ این پرسش بنیادی را با چکیده‌ای از سخنان مهدی غضنفری، رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی مرور می‌کنیم.



صندوق نه بانک است نه پشتیبان بودجه

برخی صندوق را با بانک اشتباه می‌گیرند؛ این در حالی است که صندوق منابع را تحت شرایطی در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهد و بانک‌ها وام و تسهیلات می‌دهند. صندوق توسعه ملی به هیچ عنوان ماموریت وام‌دهی مستقیم ندارد. برخی هم صندوق را با منابع بودجه‌ای اشتباه می‌گیرند و در مواردی چون توسعه عمرانی و یا واردات مواد اولیه و یا حتی افزایش دستمزد به منابع صندوق نگاه می‌کنند. این‌ها هیچکدام جزو ماموریت‌های صندوق نیست.

ماموریت ما، حفظ سهم آیندگان است

منابع صندوق توسعه ملی متعلق به نسل‌های آتی است؛ چراکه منابع طبیعی مانند نفت و گاز تمام شدنی هستند و حال که امروز ما این منابع را مصرف کرده و می‌کنیم، باید بخشی را هم حفظ و به نسل‌های بعدی تحویل دهیم. صندوق توسعه ملی این فرصت را فراهم می‌کند که با گردآوری و سرمایه‌گذاری، این منابع را بیشتر و بیشتر کند تا نسل‌های بعدی هم سهم خود را از منابع طبیعی داشته باشند.



ثروت را خرج کنیم نه سرمایه را

صندوق باید هر سال بزرگ و بزرگتر شود و در عین حال که به توسعه می‌اندیشد، باید منابع خود را به سوی طرح‌ها و بخش‌هایی هدایت کند که بازگشت مطلوبی به صندوق داشته و صندوق را تقویت کند. منابعی که ما از فروش منابع طبیعی چون نفت و گاز کسب می‌کنیم، به واقع سرمایه است و نه ثروت. این سرمایه‌ها را باید به کار بگیریم و از طریق آن درآمدزایی کنیم و سپس درآمدهای حاصل شده را به عنوان ثروت، خرج کنیم.

نسخه مردود تسهیلات دهی

نگاهی به صندوق‌های ثروت جهان که از محل سرمایه‌های ملی، ثروت خلق کرده و به واقع، یک صندوق بین‌نسلی‌اند، نشان از آن دارد که هیچ‌کدام، منابع خود را در قالب تسهیلات واگذار نکرده و در عوض، در کشور خود و یا دیگر کشورها در طرح‌های دارای توجیه و صرفه اقتصادی، سرمایه‌گذاری می‌کنند. همانند صندوق‌های ثروت چین، نروژ، امارات، عربستان، سنگاپور و غیره که ارزش دارایی‌های آنها از یک هزار میلیارد دلار هم فراتر رفته است.

پویایی اقتصاد از مسیر گردش سرمایه

در اقتصاد پویا، منابع مالی در ابعاد کلان جریان دارند، به طرح‌های ارزش‌آفرین تزریق می‌شوند، اشتغال و ثروت می‌آفرینند، بازگشته و این چرخه دوباره و دوباره تکرار می‌شود. این مهم در ایران بر عهده صندوق توسعه ملی نهاده شده تا با هدایت منابع ملی حاصل از فروش نفت و گاز به طرح‌های ارزش‌آفرین، زمینه‌ساز توسعه شود. لیک به ثمر نشستن این اهداف، مستلزم یک خواست و اراده ملی است تا هر چه بیشتر منابع ملی به حیطة سرمایه‌گذاری هدایت شود.

منابع و مصارف صندوق توسعه ملی به تفکیک دولت‌ها ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۲

۱۰۰ میلیارد دلار

پرداخت
به دولت

حاکمیت و طرح‌های با
تضمین شرکت ملی نفت

۱۶۱ میلیارد

کل
منابع
ورودی

روند ورود منابع و مصارف

(میلیارد دلار)

دولت دهم

(سال ۱۳۸۹ تا نیمه اول سال ۱۳۹۲)

خروجی: ۱۳

ورودی: ۵۵

دولت یازدهم

(نیمه دوم سال ۱۳۹۲ تا نیمه اول سال ۱۳۹۶)

خروجی: ۳۲

ورودی: ۴۴

نیمه سال
به عنوان پایان
دوره دولت‌ها لحاظ
شده است

دولت دوازدهم

(نیمه دوم سال ۱۳۹۶ تا نیمه اول سال ۱۴۰۰)

خروجی: ۳۴

ورودی: ۳۷

دولت سیزدهم

(نیمه دوم سال ۱۴۰۰ تا ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۲)

خروجی: ۲۱

ورودی: ۲۵

منابع ورودی بر اساس بند (ح)
اساسنامه صندوق توسعه ملی، شامل
سهم صندوق از صادرات نفت خام،
میعانات گازی و خالص گاز طبیعی،
سود، سود موجودی حساب‌های
صندوق نزد بانک مرکزی و نیز ۵ درصد
مانده حساب ذخیره ارزی است

حواله‌های نفت در
جزئیات مصارف و
پرداخت‌ها لحاظ
نشده است

فرصتی که به سرعت سوخت می‌شود

چرا سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی در «میادین مشترک نفت و گاز» یک «الزام» است؟

امارات نیز حاکم است؛ همسایه‌ها با حداکثر ظرفیت برداشت می‌کنند و درآمد حاصله را صرف سرمایه‌گذاری می‌کنند و ضمن خلق ثروت، سهم آیندگان را از منابع ملی‌شان حفظ می‌کنند؛ در عوض ما به واسطه ضعف توان عملیاتی و فنی، بخش قابل توجهی از ظرفیت‌ها را از دست می‌دهیم و البته آورده حداقلی را هم صرف هزینه‌ها جاری می‌کنیم تا روزبه‌روز در برداشت از منابع مشترک ضعیف و ضعیف‌تر شویم.

به میزان بالاتری نسبت به ایران از میدان‌گازی مشترک پارس جنوبی برداشت کرده و همان میزان برداشت را هم به صندوق ثروت ملی هدایت و به سان سرمایه‌ای زاینده، برای خود ثروت آفرینی کرده؛ چنانکه امروز وسعت سرمایه‌گذاری‌های صندوق ثروت ملی قطر از شمال آمریکا تا شرق آسیا، گسترش یافته است. چنین معادله‌ای در رابطه با دیگر کشورهایی که میادین نفتی و گازی مشترک با ایران دارند چون عربستان، کویت و

صندوق ثروت قطر در سال ۲۰۲۲ در جمع ۱۰ صندوق ثروت سرمایه‌گذار بزرگ جهان جای گرفت. این صندوق با بیش از هفت هزار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در رتبه دهم بزرگترین صندوق‌های ثروت جهان از منظر سرمایه‌گذاری قرار گرفت؛ موقعیتی برجسته که بی‌تردید، سرمایه‌ها و منابع ملی مردم ایران هم در آن نقش داشته است. قطر به پشتوانه سرمایه‌گذاری عظیم در بالادست گاز، طی دو دهه گذشته

منابع ملی ما در کشور همسایه، به بار می‌نشیند

نظر به آنچه رفت، بدیهی است که باید مسابقه برداشت و خرج کردن سوخت‌های فسیلی در منابع مشترک شدت بیشتری داشته باشد؛ اما واکنش ما به این مسابقه چیست؟ آیا باید به داشته‌ها و ظرفیت‌های فعلی‌مان بسنده کرده و شاهد برداشت حداکثری همسایه‌ها باشیم؟ آیا باید پشت بهانه‌جویی‌ها پنهان شده و بی‌عملی‌ها را به گردن تحریم‌ها بیندازیم تا منابع ملی‌مان در کشورهای همسایه به ثمر بنشینند؟ و یا در کنار نقد و نظرها، راهکارها و گزینه‌ها را هم بررسی کنیم؟ بدیهی است که عقلانیت، رأی به گزینه آخر می‌دهد، و بدون تردید از میان همه گزینه‌ها و راهکارها، تنها نسخه کارآمد، سرمایه‌گذاری افزون‌تر در میادین مشترک با هدف افزایش برداشت است.

با پذیرفتن این نسخه کارآمد، یک مانع دیگر رخ می‌نماید آیا کشور در موقعیت کنونی، توان سرمایه‌گذاری‌های گسترده در میادین مشترک نفت و گاز را دارد یا خیر؛ برای تشریح معادله سرمایه‌گذاری در میادین مشترک، چند آمار کلیدی را باید از نظر بگذاریم که ۱. چه میزان سرمایه نیاز داریم و ۲. چه میزان سرمایه داریم.

فرصت محدود برداشت سوخت‌های فسیلی

همه کشورهای دارای منابع سوخت‌های فسیلی به خوبی واقفند که ترسیم آینده روشن و درخشان بر پایه این منابع، میسر نبوده و منابع درآمدی حاصل از فروش سوخت‌های فسیلی با دو تهدید جدی و مهم مواجه است؛ نخست، محدودیت منابع است که هر اندازه هم که باشند در نهایت و حتی زودتر از پیش‌بینی‌ها به پایان می‌رسد، چراکه بشر هر چه پیش‌تر می‌رود به ظرفیت‌های علمی و فنی بیشتری دست یافته و میزان برداشت از این منابع را افزون‌تر می‌سازد و پایان یافتن منابع سرعت می‌گیرد. و تهدید دوم، گرم شدن زمین، تغییر نگاه جهانی به سوخت‌های فسیلی و رو آوردن به انرژی‌های سبز و پاک است. در مواجهه با این دو چالش، صاحبان نفت و گاز، با حداکثر توان از منابع‌شان برداشت کرده و درآمدها را به دیگر حوزه‌های اقتصادی گسیل داشته و وسعت سرمایه‌گذاری‌های‌شان را افزون‌تر می‌کنند تا نسل‌های آتی، دغدغه‌ای از بابت، اتمام یا فاقد ارزش شدن سوخت‌های فسیلی نداشته باشند.



نیازمند سرمایه‌گذاری ۳۰ میلیارد دلاری هستیم

مشترک را فراهم می‌کند. و در عین حال، بدیهی است که سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی در بالادست نفت و گاز، یک معادله برد-برد به شمار می‌رود؛ چراکه از یک سو منجر به افزایش برداشت از منابع مشترک شده و روند وصول مطالبات صندوق توسعه ملی از دولت را تسریع می‌کند و از سوی دیگر با بهبود منابع ورودی به صندوق، به تقویت بنیان‌های صندوق توسعه ملی به عنوان یک صندوق بین‌نسلی و حفظ سرمایه‌های ملی برای آیندگان کمک می‌کند.

در نتیجه باید تاکید کرد که حضور و سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی در «میادین مشترک» با همسایگان، الزامی و به نفع منافع ملی است.

کمتر از میزان یادشده می‌توان مثلاً برداشت از ۵ میدان نفتی مشترک با عراق را بهبود قابل توجهی بخشید. و اما منظر دوم که چه میزان ظرفیت بالقوه و بالفعل سرمایه داریم؛ صندوق توسعه ملی به سیاق صندوق‌های ثروت جهان، محتمل‌ترین گزینه برای سرمایه‌گذاری در این میادین به شمار می‌رود؛ چراکه ظرفیت‌های مالی مورد نیاز را در اختیار دارد. به استناد گزارش‌های رسمی منتشر شده، مطالبات فعلی صندوق از دولت به یکصد میلیارد دلار می‌رسد و وصول تنها نیمی از این مبلغ، منابع مورد نیاز سرمایه‌گذاری در میادین

در باب منظر اول، به عنوان نمونه برای بهبود افزایش برداشت در میدان گازی مشترک با قطر که ذکر دلاوری‌های آن در مطلع این نوشتار رفت، ایران دست‌کم نیاز به ۱۰ تا ۱۵ سکوی ۲۰ هزار تنی (همان سکوهایی که قطر اکنون راه‌اندازی کرده تا دغدغه‌ای از بابت کاهش افت گاز نداشته باشد و میزان تولید فعلی خود را حفظ کند) و ۲۰ تا ۳۰ کمپرسور عظیم برای حفظ سطح تولید از این میدان مشترک نیاز دارد که ارزش آنها ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. چنین معادله‌ای به طور تقریبی در دیگر میادین مشترک نیز برقرار بوده و حتی با سرمایه‌ای



غفلت خیره‌کننده از میادین مشترک

از منابع مشترک وجود ندارد. گراف‌های حاضر مقایسه عملکرد ایران و همسایه‌ها، در بهره‌برداری از میادین مشترک است و گواه غفلت خیره‌کننده ما در برداشت از این منابع.

در شرایطی که کشورهای همسایه با تمام توان مشغول سرمایه‌گذاری و برداشت از منابع نفت و گاز مشترک هستند، ایران در قیاس با همسایگان، کمترین میزان فعالیت را داشته و چشم‌انداز روشنی هم در برداشت

حجم برداشت از منابع مشترک نسبت به ذخایر

۱	عربستان	۱,۵ درصد
۲	امارات	۱,۳ درصد
۳	کویت	۱,۱ درصد
۴	عراق	۵,۹ درصد
۵	ایران	۵,۶ درصد



وضعیت تعداد میادین فعال مشترک نفت و گاز در مقایسه با کل میادین در کشورهای همسایه

	تعداد کل میادین	میادین	نسبت میادین کل به فعال (درصد)
ایران	۲۶	۱۰	۳۸
عربستان	۳	۲	۶۷
عراق	۸	۵	۶۳
امارات	۷	۳	۴۳
قطر	۳	۲	۶۷
عمان	۲	۱	۵۰
کویت	۱	۱	۱۰۰
آذربایجان	۲	۲	۱۰۰

وضعیت سرمایه‌گذاری در حوزه بالادست نفت

از ۲۰۲۲ تا کنون (میلیارد دلار)

۱۶۰	عربستان	۱
۱۴۰	عراق	۲
۹۰	امارات متحده عربی	۳
۶۰	عمان	۴
۵۰	قطر	۵
۲۰	ایران	۶

زمان «انتخاب» گذشته گزینه‌ای جز سرمایه‌گذاری نیست

در شرایط کنونی که فرصت کسب درآمد از فروش منابع ملی روز به روز کمتر می‌شود، برای حفظ سهم آیندگان از این سرمایه ملی، زمان اینکه به عنوان صندوق توسعه ملی بین تسهیلات دهی و سرمایه‌گذاری انتخاب کنیم، گذشته و گزینه‌ای جز سرمایه‌گذاری درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز وجود ندارد. چرایی این مهم را می‌توان در ۶ محور مرور کرد:

۱ تجربه ناموفق تسهیلات دهی

صندوق توسعه ملی بیش از یک دهه است که منابع و سرمایه‌های ورودی را در قالب تسهیلات به طرح‌های تولیدی، عمرانی، زیربنایی و حتی توسعه‌ای اختصاص می‌دهد. در این بازه زمانی قریب به یکصد میلیارد دلار توسط دولت‌ها تسهیلات گرفته شده و حدود ۳۰ میلیارد دلار هم تسهیلات به بخش خصوصی پرداخت شده است؛ منابعی که در بهترین حالت، تنها چهار میلیارد آن به صندوق بازگشته و به طور کلی معوق شده است. غالب معوقات هم به این ترتیب است که یا دریافت‌کننده قادر به بازپرداخت نیست و یا حتی قصد جدی برای پرداخت ندارد.

۲ بانک‌ها و ناتوانی در وصول مطالبات صندوق

تسهیلات صندوق توسعه ملی طی یک دهه گذشته از طریق بانک‌های عامل و با اعتبارسنجی و تضامین گرفته شده از سوی آنها، به متقاضیان پرداخت شده است؛ اما اکنون همان بانک‌ها به عنوان ضامن تسهیلات‌گیرندگان، توان بازپرداخت وام‌های دریافت‌شده از صندوق را ندارند و حتی در ترازنامه آن‌ها ردیفی به عنوان «بدهی به صندوق توسعه ملی» ثبت است و این معوقات را با خود حمل می‌کنند و وام‌گیرنده اصلی، اقساط را نمی‌دهد. در عین حال بانک‌ها توان و ظرفیت اجرایی برای فشار به وام‌گیرندگان را هم ندارند؛ چراکه ممکن است منجر به تعطیلی واحدهای تولیدی شده و این تعطیلی هم بهانه مضاعفی برای عدم بازپرداخت و بیشتر معوق شدن وام‌ها می‌باشد.





۳ گردش پول از مسیر

سرمایه‌گذاری میسر می‌شود

تنها دغدغه اهالی فن و کارشناسان در مواجهه با تغییر رویه صندوق توسعه از تسهیلات‌دهی به سرمایه‌گذاری، غلتیدن صندوق به ورطه بنگاه‌داری است؛ ضمن احترام به این دغدغه، باید تاکید کرد که هدف صندوق از سرمایه‌گذاری، بنگاه‌داری نبوده و حتی صندوق، بنگاه‌داری را «سم مهلک» می‌پندارد. هدف صندوق از سرمایه‌گذاری، بنگاه‌سازی است. به بیانی ساده‌تر، صندوق به دنبال تصاحب جایگاه مدیریتی و اداره شرکت‌ها نیست؛ قصد دارد نظارت مستقیم روی منابع مالی‌اش داشته و با اطمینان روند بازگشت آن را دنبال کند و در نهایت به پروژه دیگری بدهد. بدیهی است تنها از طریق گردش پول، امکان توسعه فراهم می‌شود. در عین حال، صندوق توسعه ملی در طرح‌های سرمایه‌گذاری خود، به سناریوی خروج زود هنگام هم فکر کرده و برای آن مصوبات لازم را دارد.

۴ رویکرد مردود

تسهیلات‌دهی در جهان

نگاهی به عملکرد و برنامه‌های صندوق‌های ثروت جهان که از محل سرمایه‌های ملی، ثروت خلق کرده و در کسوت یک صندوق بین‌نسلی ظاهر می‌شوند، نشان از آن دارد تقریباً هیچ‌کدام از این صندوق‌ها، منابع خود را در قالب تسهیلات واگذار نکرده و در عوض، در کشور خود و یا دیگر کشورها در طرح‌های دارای توجیه و صرفه اقتصادی، سرمایه‌گذاری می‌کنند. نمونه‌های این دست صندوق‌های بین‌نسلی هم بسیار است؛ همانند صندوق‌های ثروت چین، نروژ، امارات، عربستان، سنگاپور و غیره که ارزش دارایی‌های آنها از یک هزار میلیارد دلار هم فراتر رفته است.

۵ صدور مجوز

سرمایه‌گذاری به معنای قطع تسهیلات نیست

دغدغه دیگری که شاید نیاز به پاسخ روشن دارد، برنامه تسهیلات‌دهی صندوق در آینده است. در واکنش به این دغدغه نیز باید تاکید کرد صدور مجوز صریح و همه‌جانبه سرمایه‌گذاری برای صندوق، به معنای عدم پشتیبانی تسهیلاتی نیست؛ بلکه همچنان سهمی از منابع صندوق به طرح‌های قابل قبول اقتصادی اختصاص خواهد یافت، مشروط به اینکه این مقدار از توان ضمانت بانک‌ها بالاتر باشد تا صندوق دچار سوخت منابع نشود. در این مسیر، صندوق به دنبال شروع مگا پروژه‌ها و فعال کردن بخش خصوصی در آن‌هاست.

دوری جستن از

سرنوشت حساب ذخیره ارزی

نظر به مزیت‌های سرمایه‌گذاری نسبت به تسهیلات‌دهی که ذکر اجمالی آن در بالا رفت، باید یادآور شد که اگر مجوز صریح سرمایه‌گذاری به صندوق داده نشود، بدیهی است که ظرف یک یا دو سال آینده، سرنوشتی محتوم چون حساب ذخیره ارزی در انتظار صندوق توسعه ملی باشد. با اینکه امکان و اختیار سرمایه‌گذاری در اساسنامه به صندوق توسعه ملی داده شده و هیئت امنای هم مصوبات لازم را صادر کرده، اما به قدر کفایت به آن پرداخته نشده و همه‌جانبه نیست. در چنین شرایطی صدور مجوز از سوی مجلس شورای اسلامی می‌تواند راهگشا باشد و مسیر سرمایه‌گذاری و ارزش‌آفرینی صندوق توسعه ملی را هموار کند.

منابع و مصارف

صندوق توسعه ملی طی ۱۳ سال، بالغ بر ۱۶۰ میلیارد دلار ورودی داشته که بالغ بر ۱۳۲ میلیارد دلار آن مصرف شده و عموم مصارف در بخش دولتی بوده است.

منابع



مصارف

۱۳۲,۱
میلیارد دلار

کل منابع ورودی صندوق
توسعه ملی

۸۵,۱
میلیارد دلار

تسهیلات به طرح‌های دولتی،
دولت‌های مختلف

۲۹,۱
میلیارد دلار

مصارف (تسهیلات) غیردولتی
(خصوصی و عمومی)

۶,۸
میلیارد دلار

سپرده‌گذاری بر اساس
مجوزها (نفتی و غیرنفتی)

۹,۴
میلیارد دلار

تبدیل ارز به ریال
(بر اساس قوانین)

۵,۱
میلیارد دلار

سرمایه‌گذاری
(مشارکت در تامین مالی)

۱,۶
میلیارد دلار

سایر پرداخت‌ها
(مالیات، مدیریت دارایی و...)

نکته: ۱۶,۵ میلیارد
از مجموع «مصارف
غیردولتی» و
«سپرده‌گذاری بر
اساس مجوزها» هم
باتضامین شرکت
ملی نفت ایران
پرداخت شده است.

نسخه کارآمدی: سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای

را از نقش انفعالی خود خارج کرده و موجب ایفای نقش فعالانه‌تر صندوق می‌شود. بدین منظور با بررسی تجارب سرمایه‌گذاری بین‌المللی و همچنین تجارب چند سال گذشته خود در کشور، طیف متنوعی از انواع مدل‌های مشارکت را از صرف اعطای تسهیلات وام تا سرمایه‌گذاری کامل را مورد ارزیابی قرار داد و نوعی از مشارکت را در حد فاصل بنگاه‌داری و بنگاه‌سازی برگزیده است: مشارکتی با عنوان سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای.

مراحل مدل سرمایه‌گذاری غیر مداخله‌ای که به اختصار I-hope خوانده می‌شود شامل پنج عنوان مدل تأمین مالی (ساختار مشارکت) یا Investment، اجرای طرح (ساخت و ساز) یا Handling، تولید و بهره‌برداری (عملیات) یا Operation، پیامد (مدل‌های انتفاع) یا Pay off و در نهایت سناریوی خروج یا Exit می‌شود که شرح هر کدام تصویری گویا و جامع از مدل مشارکت می‌دهد.

هدف اصلی سرمایه‌گذاری در کشور توسعه است و یکی از راه‌های اصلی برای دستیابی به این مهم، بنگاه‌سازی است. در عین حال یکی از اساسی‌ترین چالش‌های این حوزه، گرفتار شدن نهادهای عمومی و دولتی در عملیات بنگاه‌داری به‌ویژه بنگاه‌داری دولتی است. صندوق توسعه ملی بر اساس مطالعه تجربه بنگاه‌داری توسط هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های بازنشستگی، بنگاه‌داری را هدف خود ندانسته و شروع به طراحی مدل‌های متنوعی از سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای کرده تا اقدام به بنگاه‌سازی (با تفکیک مالکیت از مدیریت) کرده و توان بخش خصوصی و تعاونی را هم به‌طور موثرتری بکارگیرد.

برخلاف نگرش مرسوم، تنها راه بنگاه‌سازی، اعطای تسهیلات نبوده بلکه برای رسیدن به این هدف متعالی، شیوه‌های متنوعی وجود دارد که بعضاً ریسک کمتر و سودآوری بیشتری دارد. این کار ضمناً صندوق توسعه ملی

مرحله اول

تعیین ساختار مشارکت یا تأمین مالی سرمایه‌گذاری (Investment)

در این مرحله، مدل تأمین مالی سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای متناسب با ریسک‌های مترتب بر طرح انتخاب و ساختار مشارکت صندوق در طرح مشخص شده و با استفاده از ابزارهای قراردادی و اخذ تضامین لازم، عملیاتی می‌شود. همه گزینه‌های تأمین مالی از جمله اعطای تسهیلات، پرداخت نقدی، اوراق و سایر روش‌ها در این مرحله تصمیم‌گیری می‌شود. برخی از انواع روش‌های تأمین مالی بصورت مستقیم و یا با عاملیت بانک‌ها شامل مواردی چون تأمین مالی ارزی و ریالی، انتشار اوراق ارزی و ریالی، تهاتر یا توثیق حواله نفتی و در اختیار قراردادن مجوزها است.





مرحله سوم

دوره تولید و بهره‌برداری از طرح (Operation)

در این مرحله نیز صندوق معمولاً دخالت حداقلی در مدیریت بنگاه داشته و با استفاده از ابزارهای متنوع نظارتی بصورت هوشمندانه و موثر، بر فرآیند هزینه‌کرد صحیح در راستای اهداف طرح و در جهت عملکرد بهتر آن اقدام می‌کند. انواع شیوه‌های حضور و نظارت صندوق در مرحله تولید شامل نظارت حداقلی، صرفاً نظارت بازرسی قانونی و حسابرسی داخلی و عملکرد مالی، نظارت هوشمندانه و موثر، نظارت توسط شرکت‌های بازرسی و نظارت توسط شرکت‌های مدیریت دارایی فیزیکی و در نهایت انتصاب مدیر بهره‌بردار توسط صندوق توسعه ملی می‌شود.

مرحله دوم

اجرای طرح شامل اخذ مجوزها و ساخت و ساز (Handling)

در این مرحله، صندوق معمولاً کمترین دخالت را در مدیریت اجرای طرح داشته و غالباً با استفاده از ابزارهای متنوع نظارتی به صورت هوشمندانه و موثر، بر فرآیند هزینه‌کرد صحیح در راستای اهداف طرح و در جهت عملکرد بهتر آن اقدام می‌نماید. نحوه حضور و نظارت صندوق در مراحل اجرای طرح در قالب‌هایی چون نظارت حداقلی، صرفاً نظارت بازرسی قانونی (حسابرسی مستقل)، صرفاً نظارت عالی مدیریت و کنترل پروژه، صرفاً حسابرسی داخلی، نظارت جامع دوران ساخت و عضویت در کمیته‌های قانونی (فنی) جای می‌گیرد.

مرحله پنجم

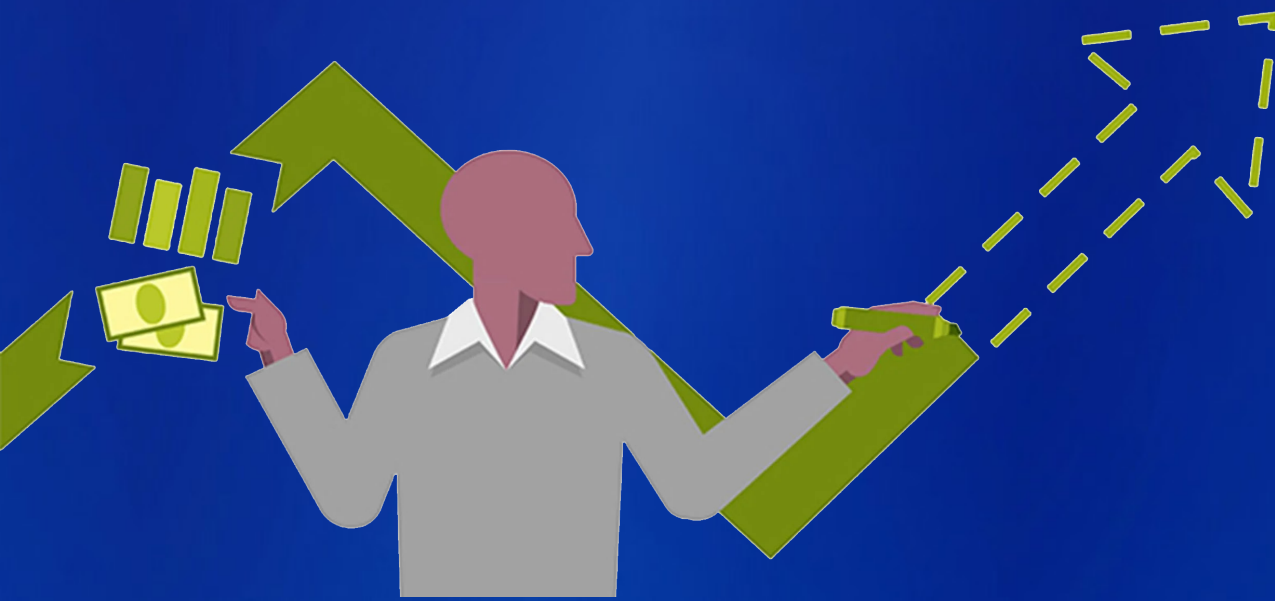
سناریوی خروج یا مدل خروج (Exit)

آخرین گام از مراحل پنجگانه صندوق، شیوه خروج صندوق از طرح است که بر اساس مدل سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای انتخاب می‌شود. سناریوی خروج معمولاً قبل از شروع به مشارکت در طرح، نهایی شده و پس از طی زمان مشخص، صندوق از طرح خارج می‌شود. این مرحله همان گام مهمی است که باعث می‌شود مدل بنگاه‌سازی جدید صندوق منجر به بنگاه‌داری درازمدت نشود.

مرحله چهارم

شیوه تقسیم پیامدها یا مدل‌های انتفاع صندوق از طرح (Payoff)

در این مرحله براساس مدل سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای مشخص می‌شود که هر یک از طرفین طرح سرمایه‌گذاری چگونه از منافع طرح بهره‌مند می‌شوند. قاعدتاً بهره‌مندی صندوق در این مرحله تنها شامل سود تسهیلات احتمالی نبوده و ممکن است بخشی از انتفاع احداث و بهره‌برداری را هم دربرگیرد. یعنی شامل درصدی از منافع فروش محصول یا بخشی از سهام شرکت احداث شده باشد.



I-HOPE

گزینه‌های صندوق‌های ثروت ملی برای مشارکت در تامین مالی پروژه‌ها فقط تسهیلات صرف و یا فقط سرمایه‌گذاری صرف نبوده بلکه حد فاصل این دو نیز تعداد متنابهی مدل مشارکت قابل احصاء است که از جمله کارآمدترین و اثربخش‌ترین آنها، مدل سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای است. مدل سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای یا I-HOPE حاصل ترکیبی از انواع ابزارهای وام، سهامداری غیرکنترلی، انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری (پروژه‌ای، خصوصی و ...)، انواع اوراق (ارزی و ریالی، مبتنی بر سهام، بدهی، دارایی و مشتقه) و ابزارهای مبتنی بر اختیار خرید/ فروش است.

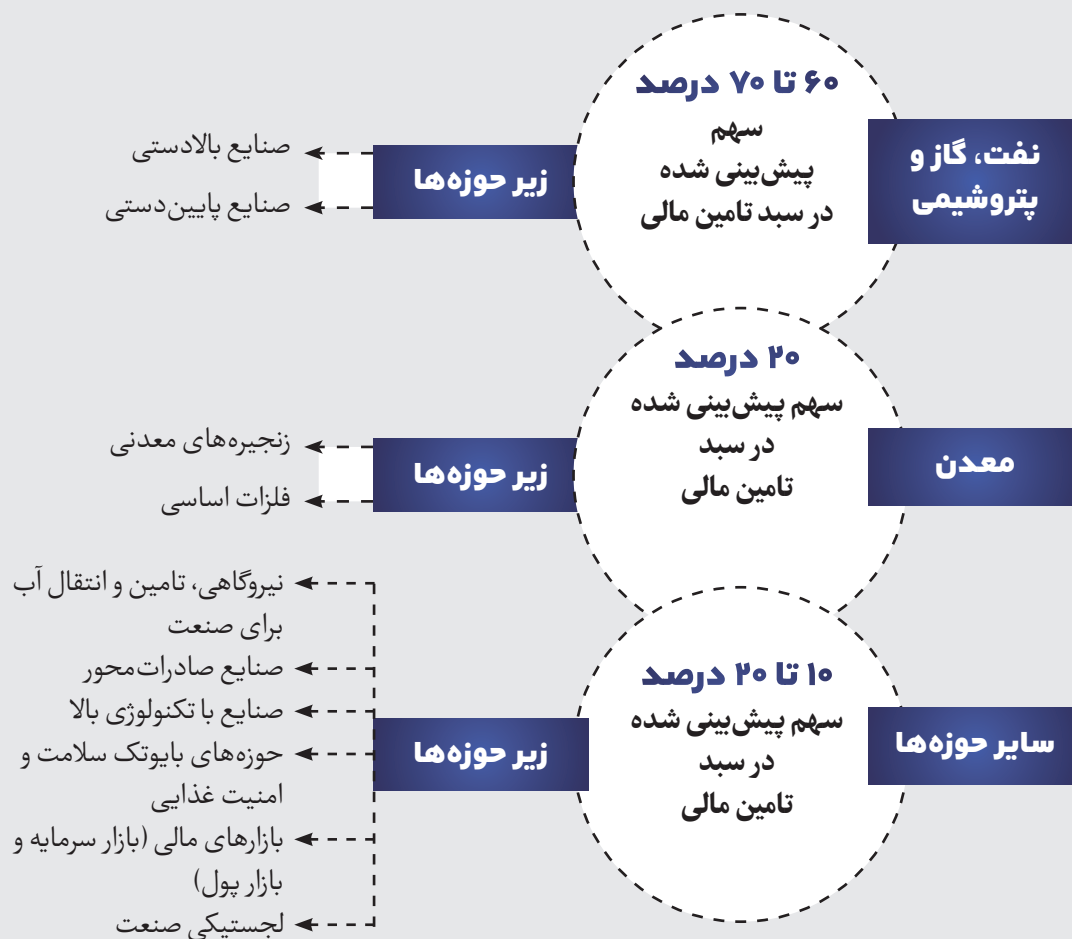


لینک دسترسی کامل به I-HOPE : B2n.ir/IHOPE



حوزه‌های هدف تامین مالی

حوزه‌های هدف تامین مالی طرح‌ها توسط صندوق توسعه ملی در زیربخش‌های «نفت، گاز و پتروشیمی»، «معدن» و سایر حوزه‌ها تعریف می‌شود که ابعاد و جزئیات هر حوزه به تفکیک هر زیربخش در نماداده‌های زیر گرد آمده است:



طرح‌های واصله تامین مالی از طریق I-HOPE

تا پایان دی‌ماه ۱۴۰۲ تعداد ۲۹۶ طرح با برآورد ۳۰۰ میلیارد دلار به صندوق توسعه ملی واصل شده تا از طریق مدل سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای I-HOPE تامین مالی شود؛ جزئیات طرح‌ها و زیربخش‌ها را در ادامه از نظر می‌گذرانیم:

تعداد کل طرح‌های واصله برای تامین مالی از طریق I-HOPE

۳۰۰ میلیارد دلار

۲۹۶
طرح

برآورد مالی طرح‌های واصله برای تامین مالی از طریق I-HOPE

تعداد طرح‌ها مبلغ درخواستی

میلیارد دلار

فقره

۲۰۷

۱۵۹

نفت، گاز و پتروشیمی

حوزه
IPS

۲۸

۵۶

معدن، زنجیره‌های معدنی
و فلزات اساسی

۶۵

۸۱

سایر حوزه‌های سرمایه‌گذاری

برآورد نیاز
سالانه برای تامین
مالی پروژه‌های واصله

حدوداً
۵۰ میلیارد دلار

موجودی قابل
مدیریت صندوق؟
۲۰ میلیارد دلار

شرط بررسی
طرح در I-HOPE:

وفق IPS و حجم
سرمایه‌گذاری بالای
۱۰۰ میلیون دلار



مشارکت در تامین مالی با مدل I-HOPE

عناوین طرح‌های مشارکت شده از سوی صندوق توسعه ملی به صورت سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای I-HOPE در زیربخش‌های مختلف را از نظر می‌گذرانیم. نرخ سود انتظاری صندوق از مشارکت ۱۸ میلیارد دلاری در این پروژه‌ها بین ۱۰ تا ۱۷ درصد است.

نفت، گاز و پتروشیمی

صنایع بالادستی

سرمایه مورد نیاز طرح‌ها: ۱۳,۱ میلیارد دلار

طرح‌های مشارکت شده:

- طرح توسعه میدان نفتی آزادگان
- توسعه میادین گازی هما، وراوی و مرکز تفکیک تابناک
- ذخیره سازی گاز در میدان شوربچه

صنایع پایین دستی

سرمایه مورد نیاز طرح‌ها: ۲,۴ میلیارد دلار

طرح‌های مشارکت شده:

- PDH تدبیر
- PDH پیید بلند
- بازسازی کارخانه کود شیمیایی در کشور نزنوئلا

سایر حوزه‌ها

نیروگاهی، تامین انتقال آب برای صنعت

سرمایه مورد نیاز طرح‌ها: ۲,۴ میلیارد دلار

طرح‌های مشارکت شده:

نیروگاه خودتامین تارینا- فولاد خوزستان

انتقال آب شرق کشور (فازیک)

خط انتقال آب به استان فارس

حوزه‌های بایوتک سلامت و امنیت غذایی

سرمایه مورد نیاز طرح‌ها: ۵,۱ میلیارد دلار

طرح‌های مشارکت شده:

تولید انواع داروهای بایوتکنولوژی و واکسن



۱۴۰۲ به روایت آمارها

صندوق توسعه ملی طی سالی که گذشت سعی حداکثری بر حفظ منابع داشت و البته هدایت این منابع به طرح‌های ارزش‌آفرین. گزیده‌ای از عملکرد صندوق طی سال ۱۴۰۲ را از نظر می‌گذرانیم.

قراردادهای عاملیت پرداخت تسهیلات ارزی

طی سال ۱۴۰۲ به مبلغ ۴ هزار و ۹۵۰ میلیون دلار، قراردادهای عاملیت پرداخت تسهیلات ارزی منعقد شده که جزئیات به تفکیک بانک‌ها در ادامه آمده است



عملکرد صندوق و بانک‌ها عاملیت پرداخت تسهیلات ارزی

خلاصه عملکرد صندوق و بانک‌ها از محل قراردادهای
عاملیت پرداخت تسهیلات ارزی را می‌توان
در پنج عنوان زیر جای داد:

قراردادهای عاملیت ارزی

تعداد:

۱۱ طرح

مبلغ:

۴۹۵۰ میلیون دلار

سپرده‌گذاری ارزی

خلاصه سپرده‌گذاری ارزی
در سال ۱۴۰۲ در دو عنوان
زیر جای دارد:

قراردادهای نزد بانک جهت امضاء

تعداد: ۵ طرح

مبلغ: ۲ هزار و ۳۴۰

میلیون دلار

قراردادهای منعقدہ

تعداد: ۴ طرح

مبلغ: ۴۰۰

میلیون دلار

تسهیلات ارزی / مانایی فولاد بافق کسری

مبلغ: ۱۲۰ میلیارد ریال

محل اجرای طرح: یزد

بخش اقتصادی: صنعت و معدن (فولاد)

بانک عامل: تجارت + ملت

مدوی طب پویان

مبلغ: ۳۴ میلیارد دلار

محل اجرای طرح: البرز

بخش اقتصادی:

صنعت و معدن (سناپ دارویی)

بانک عامل: رفاه کارگران

جاوید انرژی پرتو

مبلغ: ۳۰۰ میلیارد ریال

محل اجرای طرح: هرمزگان

بخش اقتصادی: پالایشگاه

بانک عامل: پاسارگاد

عملکرد ریالی در یک نگاه

مبلغ
(میلیارد
ریال)

تعداد

۳۴۶۸۵۰

۳

فراخوان‌های
ریالی

۱۱۵۷۴۵

۱۸۰

قراردادهای
سپرده‌گذاری
ریالی منعقد

۸۰۳۲۰

۴۰۲۷

مبالغ
تخصیص یافته
به متقاضیان
توسط بانک‌ها

۳۸۶۹۷

۷ مرحله‌واریز

وجوه کارسازی
شده به حساب
صندوق تثبیت

**سپرده‌گذاری ریالی
به تفکیک بخش اقتصادی**
میزان قراردادهای
سپرده‌گذاری ریالی منعقد شده به
تفکیک بخش اقتصادی در
ادامه آمده است

مبلغ
(میلیارد
ریال)

۲۵۵ هزار و ۵۲

صنعت و
معادن

۳۹۰ هزار و ۳۵

آب و
کشاورزی

۹۱۰ هزار و ۱۲

صنایع تبدیلی
و تکمیلی

۱۹۰ هزار و ۸

گردشگری

۷۴۵ هزار و ۱۱۵

جمع



سپرده‌گذاری ریالی به تفکیک سهمیه

میزان قراردادهای سپرده‌گذاری ریال منعقد به تفکیک سهمیه در ادامه آمده که در راستای اجرای قانون الحاق برخی مواد قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به استناد بند قانونی مربوطه تخصیص یافته است.

مبلغ
(میلیارد
ریال)

۱۰۳۴۰۰

سهمیه
عام تمام
بخش‌های
اقتصادی

۳۰۰۰

عشایر

۵۱۲۰

ایشانگران

۲۱۲۵

بهریستی

۲۱۰۰

کمیته
امداد امام
خمینی (ره)

۱۱۵۲۴۵

جمع

گذر از هفت چالش بنیادی

مسیر صندوق توسعه ملی برای تحقق اهداف و برنامه‌ها چگونه هموار می‌شود؟

صندوق توسعه ملی با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل شده است. اما در مسیر تحقق این مهم با چالش‌های متعددی مواجه است؛ هم اکنون چند مفهوم اصلی در کشور از نظر صندوق توسعه دچار اختلاط معانی و نهایتاً موجب ناهوشمندی سیستم در حکمرانی صندوق شده است. تا زمانی که همه اعضای هیات عامل، هیات امناء، دولتمردان و مجلس نشینان و نیز خبرگان و اهل فن، روی این تعاریف هم نظر نباشند، نمی‌شود یک حرکت همگانی و منسجم به سمت توسعه کشور داشت. بنابراین بازتعریف این مفاهیم ضروری است و در ادامه این چالش‌ها را با هم مرور می‌کنیم:



در چند دهه گذشته مفهوم سرمایه با ثروت اشتباه گرفته شده و مثلاً از درآمدهای نفتی به عنوان ثروت یاد شده و همه آن صرف بودجه کشور شده که اخیراً مازاد آن به صندوق توسعه داده شده و آن را هم دولت‌ها هر زمان که نیاز داشته‌اند، برداشت کرده‌اند در حالی که درآمدهایی همچون عواید نفت و گاز و امثال آن عملاً سرمایه هستند و نه ثروت و هیچ‌کسی از سرمایه برای مخارج خود استفاده نمی‌کند؛ بلکه از سود سرمایه‌گذاری آن استفاده می‌کند و چنانچه این قاعده مهم مثلاً طی ۱۰ سال گذشته در کشور اجرا می‌شد؛ هم اکنون یک صندوق توسعه ۵۰۰ میلیارد دلاری داشتیم نه یک صندوق ۱۵۰ میلیارد دلاری که تازه ۱۰۰ میلیارد از آن را هم دولت‌ها برداشته‌اند.

تصور کنید اگر همه این باور را داشته باشند چه تحول بزرگی در امر بودجه‌ریزی کشور حاصل می‌شود. به همین دلیل بود که ما پیشنهاد دادیم همه عواید نفت و گاز وارد صندوق شود و صندوق آن را سرمایه‌گذاری کرده و از سود آن، هر سال عدد مشخصی مثلاً بین ۲۰-۱۵ میلیارد دلار به بودجه دولت بدهد. در این صورت دولت و مجلس دقیقاً می‌دانند چقدر ارز دارند و می‌توانند برنامه سالانه و پنج ساله را با عدد و رقم دقیق بنویسند. اجازه دهید این مفهوم را به عنوان اصل اول این گونه بیان

کنیم: مواهب خدادادی سرمایه است نه ثروت.

سرمایه
ثروت نیست!



دومین مفهوم مورد نظر فرق میان تولید و توسعه است. وقتی صندوق به تولیدکننده وام می‌دهد و تولیدکننده به علت درگیری‌های خود نتواند وام را پس بدهد، بسیاری در دفاع از تولیدکننده، صندوق را به خاطر پیگیری اقساط وامش، سرزنش می‌کنند یا می‌گویند با ارز ارزان بازپس بگیرد. این گروه فراموش کرده‌اند که امر توسعه در صورتی رخ می‌دهد که به کرات فعل بنگاهسازی تکرار شود و نه فقط یکبار انجام شود. این مفهوم به آن معناست که صندوق باید به موقع منابع را بازپس بگیرد و به گروه بعدی بدهد و در زمان توافق شده از گروه دوم هم بازپس گرفته و به گروه سوم دهد تا نهایتاً توسعه رخ دهد. این مفهوم را به عنوان اصل دوم این گونه بیان کنیم: توسعه از طریق تکرار تولید است و نه توقف در آن.

تولید، با توسعه تفاوت دارد

چهارمین موضوع تفاوت میان تسهیلات صندوق با برخی تسهیلات دولتی یا تکلیفی است. این موضوع بعضاً بیشترین چالش ما را با نمایندگان مجلس و برخی استانداران یا فعالان اقتصادی به وجود می‌آورد. آنها به‌طور واضح با سود صندوق مخالفت کرده و از اینکه صندوق ضرر و زیان شده یا منابعش را برای توسعه از دست بدهد هیچ‌گونه نگرانی ندارند چون مدیر اکنون هستند و نه مدیر نسل آتی.

تلاش بسیاری کرده‌ایم که این مفهوم را جاری کنیم که صندوق در صورتی می‌تواند موتور توسعه کشور باشد که خودش میرا و ضعیف نباشد. بنابراین تمام نرخ‌های سود را اصلاح کرده‌ایم و مدل I-HOPE را برای بیشتر کردن سود صندوق مطرح کرده‌ایم. فراموش نکنیم که اگر قرار باشد ما همه عواید نفت و گاز را تحویل بگیریم و کار اقتصادی و سود ده انجام ندهیم چگونه می‌توانیم به عهد خود وفا کنیم. به‌طور خلاصه صندوق باید در طرح‌های بزرگ ملی، سودآور و کم ریسک مشارکت کند و نباید گوشت قربانی طرح‌های غیراقتصادی شود. در غیراین صورت هرگز توسعه‌ای رخ نخواهد داد و فقط سبب رانت برای عده‌ای رانت‌جو خواهد شد. این مفهوم را به عنوان اصل چهارم این گونه بیان کنیم: صندوق باید هر سال بزرگ‌تر شود و نه کوچک‌تر.

تسهیلات صندوق، تسهیلات دولتی و تکلیفی نیست

سومین مفهوم مورد مناقشه بنگاهداری و بنگاهسازی است. برخی معتقدند تا وقتی صندوق تسهیلات می‌دهد مشغول بنگاهسازی است اما به محض اینکه خودش مشارکت و سرمایه‌گذاری کند به دنیای بنگاهداری ورود کرده که امری بسیار دشوار و پیچیده است.

این حرف به ظاهر درست است و مخالفت با آن منطقی به نظر نمی‌رسد. اما همگان می‌دانند یکی از بزرگ‌ترین ابتلائات صندوق، تسهیلاتی است که داده و بازپرداخت آنها به هر دلیل یک چالش جدی شده است. برخلاف چیزی که انتظار می‌رفت، حضور بانک‌های عامل نه تنها ریسک تسهیلات صندوق را صفر نکرده بلکه بر مشکلات و معضلات صندوق افزوده است، چون اغلب بانک‌ها توانایی بازپرداخت تسهیلات معوقه صندوق را ندارند و این در حالی است که رسماً و قانوناً تعهد داده‌اند که بانک عامل و نه مشتری بانک، مسوول بازپرداخت وام‌هاست.

به این دلیل ما مدل I-HOPE را طراحی کرده‌ایم که نوعی مشارکت بدون بنگاهداری یا سرمایه‌گذاری غیرمداخله‌ای است. یعنی ما در حالی که سود بیشتر و ریسک کمتری برای صندوق پیش‌بینی می‌کنیم از حالت منفعلانه به حالت فعالانه تغییر موضع می‌دهیم. این مفهوم را به عنوان اصل سوم این گونه بیان کنیم: مشارکت صندوق در مدل I-HOPE منجر به بنگاهداری نمی‌شود.

بنگاهداری یا بنگاهسازی؟

صندوق توسعه ملی با سازمان امور مالیاتی بر سر مالیات سود منابع ریالی صندوق مشکل دارد. صندوق توسعه ملی، طبق قانون مجلس مبنی بر تبدیل ۲۰ درصد (یعنی ۲ تا ۱۰ درصد) از منابع صندوق به ریال، حدود ۹ میلیارد دلار منابع صندوق را به ریال تبدیل کرده است که هم اکنون در صورت بازگشت آن یعنی تبدیل این مبلغ به دلار، با کاهش ارزش ۸ میلیارد دلاری دارایی صندوق روبه‌رو می‌شویم که این با اصل قبلی که اشاره شد در تضاد است؛ ولی چگونه است که نظام حسابرسی هر سال صندوق را سودده نشان می‌دهد؟ درست است که منابع ریالی توسط بانک‌ها به صورت تسهیلات به مردم پرداخت می‌شود و حدود ۲۰ درصد سود نشان می‌دهد و دولت باید از سود شرکت‌ها، مالیات اخذ کند.

شیوه حسابرسی
پنجمین مفهوم مورد
اختلاف است

اما در اینجا یک پارادوکس وجود دارد: یعنی صندوق هر سال بابت ضرر خود مالیات پرداخت می‌کند. یعنی درست است که سنجش و محاسبه عملکرد صندوق با واحد ریال سود نشان می‌دهد، ولی اگر همین سنجش و محاسبه با واحد ارز باشد آنگاه ضرر هنگفت صندوق به چشم خواهد آمد. با این طرز فکر، صندوق هر سال در حال کوچک‌تر شدن است. یعنی اگر همه ریالی که صندوق تسهیلات می‌دهد با سودهایی که از این بابت می‌گیرد با هم جمع شده و نهایتاً به ارز تبدیل شود حتماً ارز بسیار کمتری نصیب صندوق می‌شود، خیلی کمتر از ارزی که صندوق به ریال تبدیل کرده تا این وام‌های ریالی را بدهد. حالا مالیات بابت سود، چه معنایی دارد در حالی که صندوق عملاً ضرر کرده است. گاهی همکاران به شوخی می‌گویند حتی اگر منابع ارزی صندوق در یک سال نصف شود ولی قیمت ارز بیش از دو برابر شود، سازوکار حسابرسی کشور، صندوق ضررده را سودده نشان می‌دهد. بنابراین با این وجود باید به مدیران سازمان حسابرسی تبریک گفت. شیوه حسابرسی فعلی باعث از دست رفتن ارزش منابع صندوق توسعه ملی می‌شود. بنابراین صندوق توسعه ملی نیاز به نظام حسابرسی خاص خود را دارد. ما صندوق ارزی هستیم و سازمان حسابرسی باید سود و زیان ما را بر اساس واحد ارزی تعیین کند، این سیستم حسابرسی هوشمند نبوده و با این نظام حسابرسی به بن‌بست خواهیم خورد؛ بنابراین در ابتدا باید مفاهیم، هوشمند شده و سپس مکانیزه و دیجیتال شود، چرا که با مفاهیم ناهوشمند فقط سرعت شکست را بالاتر می‌بریم. بنابراین این مفهوم را به عنوان اصل پنجم این گونه بیان کنیم: صندوق باید به صورت ارزی ارزیابی شود و نه ریالی.



در مورد ششمین مفهوم مورد اختلاف یعنی تفاوت میان حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی، تنها باید به یک مورد بسنده کرده و گفت که متاسفانه حساب ذخیره ارزی بر اثر چند اشتباه حکمرانی، نابود شد که می‌توان اسم یکی از آنها را فرهنگ امهال و اهمال گذاشت. یعنی مدیران وقت با مقدس دانستن تولید، عملاً توسعه را قربانی کردند. در واقع بازگشت منابع وام داده شده از حساب ارزی با تاخیر بسیار زیاد و با ارزش گذشته قیمت ارز انجام شد و متاسفانه این فرهنگ را ایجاد کرد که «پول حساب ارزی رو کی داده که ما بدیم؟» یکی از چالش‌های روز نخست ما با برخی از آنانی که وام صندوق را گرفته بودند و موعد بازپرداخت رسیده بود همین انتظار بود که قصد داشتند با ارز ۴ هزار تومانی وام را پس بدهند. آنها موضع ما در مورد پرداخت ارز به قیمت روز بازپرداخت را بر نمی‌تاییدند و انبوهی از نامه‌نگاری‌ها با همه مقامات ارشد نظام و نیز اتاق‌های بازرگانی شروع شد. البته اکنون این حجم‌ها کمتر شده است و همه پذیرفته‌اند که صندوق توسعه ملی، یک صندوق ارزی است و بازپرداخت به قیمت گذشته، سرنوشت تلخی را برای صندوق رقم می‌زند. از این رو این مفهوم را به عنوان اصل ششم این‌گونه بیان کنیم: بازپرداخت تسهیلات ارزی صندوق باید ارزی باشد.

تفاوت حساب ذخیره ارزی با صندوق توسعه ملی

آخرین موضوعی که در شیوه‌نویس حکمرانی صندوق باید به آن پرداخت، تفاوت میان بودجه کشور و منابع صندوق است. بی‌شک تفاوت‌های زیادی بین این دو هست ولی برخی از متقاضیان استفاده از منابع صندوق با یکی دانستن این دو مفهوم، انتظار دارند از منابع صندوق به عنوان بخشی از بودجه جاری یا عمرانی استفاده کنند. مثلاً به ما مراجعه می‌کنند که کمک کنید فلان پروژه عمرانی که با بودجه دولت شروع شده با کمک بلاعوض صندوق تمام شود یا اینکه صندوق، بانک‌های ضعیف را تملک کند یا پروژه‌های ساختمانی انجام دهد. ما به همه اینها می‌گوییم صندوق یک نهاد مالی است و مأموریت‌های این چنینی ندارد. اجازه دهید این مفهوم را به عنوان اصل هفتم این‌گونه بیان کنیم: منابع صندوق از آن آیندگان است و نه بودجه دولتی.

منابع صندوق بودجه جاری نیست

وصول مطالبات تسهیلات غیر دولتی

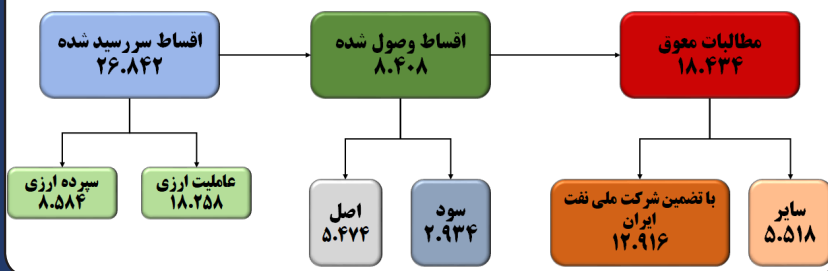
صندوق توسعه ملی طی سال ۱۴۰۲ با اقداماتی چون بازنگری در نرخ سود سهم بانک عامل در تسهیلات اعطایی، ارائه گزارش عدم وصول مطالبات صندوق به بانک‌های عامل و تسهیلات‌گیرندگان به صورت ماهانه و ارسال آخرین اخطار کتبی با درج مهلت زمان به بانک عامل، بخش قابل توجهی از مطالبات صندوق را به حیطة وصول درآورده است.

همچنین حساب‌های ارزی بانک‌های ملت، ملی ایران، توسعه صادرات ایران، سپه، صنعت و معدن، اقتصاد نوین، پاریسیان و توسعه تعاون نزد بانک مرکزی مسدود و در سال ۱۴۰۲ نیز مبلغ ۲۰ میلیون دلار از حساب‌های ارزی بانک‌های ملی و سپه برداشت شده است. گزیده‌ای از عملکرد وصولی صندوق در ادامه آمده است.





ارقام به میلیون دلار



وصول مطالبات ارزی از ابتدا تا پایان سال ۱۴۰۲

مطالبات ارزی وصول شده (میلیارد دلار)	سال عملکرد
۱.۱	وصول مطالبات از ابتدا تا دولت سیزدهم
۴.۶	وصول مطالبات در دولت سیزدهم
۵.۷	جمع (وصول مطالبات از محل عاملیت)
۲.۷	وصول اصل و سود سپرده
۰.۱۲	وصول مطالبات از طریق تهاتر
۸.۴	جمع کل

وصول مطالبات ارزی در سال ۱۴۰۲

مطالبات ارزی وصول شده (میلیون دلار)	شرح
۱.۹۶۱	وصول مطالبات از محل عاملیت ارزی
۱۵۸	وصول مطالبات از محل سپرده ارزی

وصول مطالبات ریالی در سال ۱۴۰۲

مبلغ وصولی (هزار میلیارد ریال)	شرح
۹۸.۴	اصل سپرده وصول شده
۵۳.۸	سود و وجه التزام وصول شده

وضعیت معوقات ارزی تا پایان سال ۱۴۰۲

مبلغ (میلیارد دلار)	شرح
۱۲/۹	طرح‌های با تضمین شرکت ملی نفت ایران
۱/۵	طرح‌های نیروگاهی
۴	سایر طرح‌های صنعتی
۱۸/۴	جمع کل

صندوق توسعه ملی باید «صندوق ثروت ملی» باشد



بومی‌سازی

راهکار مطلوبی است، اما اختراع چرخ از نو خیر. نمی‌توان تجربه‌ای کارآمد و امتحان پس‌داده در جهان را به صورت سلیقه‌ای بومی‌کرد و انتظار نتایج همپای جهان داشت. می‌پذیریم که ایران کشوری است با اقتضائات و شرایط خاص خود و آن را نه می‌توان با نروژ و کانادا و سنگاپور مقایسه کرد و نه با همسایه‌های مان امارات و عربستان. اما اگر راهکاری وجود دارد که از شمال اروپا تا شرق آسیا امتحان پس‌داده و در تک‌تک کشورهای یادشده، نتایج مثبتی به همراه داشته، ضرورت تغییر و بومی‌سازی چیست؟ «صندوق توسعه ملی»، نسخه بومی‌شده «صندوق ثروت ملی» است، نسخه‌ای که گذر زمان نشان داده چندان کارآمد نبوده و الزام پیش‌روی امروز، بازگشت به همان نسخه اصلی یعنی «صندوق ثروت ملی» با تمام اقتضائات است. نوشتار پیش‌رو در پی واکاوی چرایی این الزام است.



صندوق‌های ثروت ملی در جهان با کارکردهایی مشخص ایجاد شدند: حفظ سرمایه‌های ملی و مازاد تجاری، مولدسازی و ارزش‌آفرینی در پی تجمیع این منابع، خلق ثروت از محل هدایت سرمایه‌ها به بخش‌های مزیت‌دار اقتصاد و در نهایت انتقال سرمایه‌های ملی به نسل‌های بعدی و پشتوانه‌سازی برای آینده کشورها.

کارکردهای مشخص صندوق‌های جهان

تجربه صندوق نروژ

صندوق ثروت ملی نروژ از جمله صندوق‌هایی است که با همین اهداف ایجاد شد و طی بیش از سه دهه، چنان دقیق و مشخص در مسیر تحقق این اهداف حرکت کرد که امروز نه تنها بر بام بزرگترین و قدرتمندترین صندوق‌های ثروت جهان ایستاده که نروژ را هم به جمع غنی‌ترین و باثبات‌ترین اقتصادهای جهان هدایت کرده است. نروژ نفت خام و گاز می‌فروشد دقیقاً مشابه ما؛ اما چهارمین درآمد سرانه در جهان را دارد؛ کشوری است با الگوی رفاه‌محور شمال اروپا و یکی از بالاترین شاخص‌های توسعه انسانی در جهان را دارد، به آموزش عالی یارانه می‌دهد و نظام فراگیر تامین اجتماعی دارد؛ اگر همه این دستاوردها به پشتوانه پول نفت حاصل شده، چرا ما هم که منابع خود را خام‌فروشی می‌کنیم، وضعیتی شبیه نروژ نداریم؟ دلیل روشن است: ما درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز را بی‌فکر و بی‌واهمه به بودجه جاری تزریق کرده و نروژ مازاد درآمدی خود را یکسره به بازارهای جهانی فرستاده و بهره‌انباشته حاصل می‌کند. نروژ نفت و گاز می‌فروشد اما درآمدهای حاصله را به مثابه یکی از منابع درآمد دولت و چیزی هم‌تراز با مالیات، در ستون درآمدهای بودجه دولت ثبت و خرج نمی‌کند. نروژ یک تفاوت اساسی با ما دارد و آن نهادینه شدن این باور عمومی است که منابع طبیعی ثروتی برای آیندگان است و حق تصاحب و مصرف آن را نداریم.

نگاه سرمایه‌گونه به منابع ملی، شالوده صندوق‌های موفق

به پشتوانه همین تفکر، منابع حاصل از فروش منابع ملی به مثابه سرمایه نگریسته شد و به صندوق ثروت ملی این کشور هدایت می‌شود تا پس‌انداز و برای آیندگان این کشور نگهداری و سرمایه‌گذاری شود. آری، نگاه سرمایه‌گونه به منابع ملی که باید حفظ شده و از نشت هزینه‌های جاری جلوگیری شود، شالوده صندوق‌های ثروت ملی بزرگ و موفق در جهان است؛ همان‌ها که دقیقاً در کسوت یک صندوق بین‌نسلی، در عین حفظ سرمایه‌ها، ثروت می‌آفرینند.

نه نشانی از ذخیره ماندونه حساب محل نگهداری ذخیره

ایران نیز به مانند دیگر کشورهای دارای منابع نفت و گاز طی سال‌ها با درآمدهای سرشار و بی‌زحمت حاصل از فروش منابع روبه‌رو بوده و برای مدیریت این منابع، ظاهراً قدم در راهی می‌گذارد که کشورهایی چون نروژ پیمودند، اما با نسخه وطنی و بومی‌سازی شده؛ لذا در گام نخست، حساب ذخیره ارزی را ایجاد می‌کند. حسابی که نه فقط در اسم که در کارکرد و هویت هم تفاوت‌های بنیادی با مفهوم «صندوق ثروت ملی» داشت و با وجود ذخیره منابع قابل توجهی از درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز، در نهایت و به یکباره، منابع‌اش راه به بودجه جاری پیدا کرد و در اندک زمانی نه نشانی از ذخیره ماند و نه حساب محل نگهداری ذخیره.

صندوق، تعهدی به بودجه ندارد، تحت هر عنوانی

اطلاق عنوان توسعه بر صندوقی که کارکرد اصلی‌اش، حفظ منابع و خلق ثروت است، دستاویزی شد که هر بار ذیل همین عنوان، منابع صندوق خارج و صرف مخارج جاری دولت شد؛ ظاهراً مرتبه‌ای صرف توسعه صنایع شد، مرتبه‌ای صرف توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقلی و مرتبه‌ای هم صرف توسعه کشاورزی. اما در نهایت در ردیف دیگر بودجه‌های جاری دولت، خرج شد و آورده‌ای از منظر ماندگاری و پایداری منابع به همراه نداشت. اینکه امروز از ۱۵۰ میلیارد دلار منابع ورودی به صندوق توسعه ملی، ۱۰۰ میلیارد دلار آن در ردیف بدهی‌های دولت به صندوق بوده، حاصل همان فرآیند بومی‌سازی صندوق ثروت است.

تطهیر واژه‌ها، منابع ملی را از بین می‌برد

باید پذیرفت که «صندوق ثروت ملی»، سهمی در توسعه آتی نداشته و تعهدی هم به بودجه‌های جاری دولت‌ها ندارد؛ صندوق ثروت ملی، منابع ملی را حفظ کرده و آن را صرفاً با نگاه درآمدزایی و ارزش‌آفرینی در فعالیت‌های سودآور و کم‌ریسک ملی و بین‌المللی سرمایه‌گذاری می‌کند تا از ثروت حاصله، هم اهالی امروز و ساکنان فردا بهره‌مند شوند. به همین روست که به قطعیت باید گفت آن چیزی که ماندگاری منابع برای آیندگان را تضمین می‌کند، پیاده‌سازی دقیق و با جزئیات کامل «صندوق ثروت ملی» بوده و تغییر واژه‌ها و به کار گرفتن عنوان توسعه در عوض ثروت، تنها تطهیر واژه‌هاست.

مراقب باشیم عنوان «توسعه» مانع «توسعه» نشود

دولتمردان در واکنش به تجربه شکست خورده حساب ذخیره ارزی، این بار سعی کردند بیشتر به همان راه امتحان پس داده جهانی نزدیک شوند و هویتی تازه را بنیان نهند. لیک با هدف گریز از بار معنایی «ثروت»، از عنوان «توسعه» استفاده کرده و صندوق توسعه ملی با اساسنامه‌ای نزدیک به نمونه‌های جهانی شکل گرفت. شروع صندوق تازه هم شبیه به حساب ذخیره ارزی، مطلوب بود. بخش‌های قابل توجهی از منابع حاصل از فروش نفت و گاز طی یک دهه به این صندوق هدایت شد و حتی صندوق را از حیث میزان دارایی‌ها در جمع صندوق‌های بزرگ جهان قرار داد؛ اما همان تغییر کوچک و شاید نامحسوس برای وطنی کردن و بومی‌سازی، بزرگترین مانع پیش‌روی صندوق شد: به واقع عنوان «توسعه»، مانع «توسعه» شد.



National Development
Fund Of Iran

4th

International Conference of the National Development Fund of Iran

May 12, 2024 / Tehran, Iran
IRIB International Conference Center



www.ndf.ir
Public Relations of the
National Development Fund